

تربیت مذهبی کودک

نویسنده : سید مجتبی موسوی زنجان
رودی

مقدمه

درباره تربیت، به ویژه تربیت کودک و جوان و نوجوان کتاب های متنوعی نوشته شده است. علما و دانشمندان زحمات فراوانی متحمل شده اند، تحقیق و تفحص در حد تخصص و در حیطه و حوزه کاری مربیان بی شمار انجام گرفته است. تا انسان هست، نظریه و تئوری مباحث تربیتی نیز پیوسته خواهد بود. جزء جداناپذیر حیات علمی انسان است که به این امر توجه کند.

آینده ی بشریت به تربیت نسل های جدید وابسته است، هر ملتی کوشش دارد که قوام و پایداری جوامع خویش را با پرورش نسل خود استحکام بخشیده و آینده را به آنها بسپارند به نحوی که نه تنها زحمات گذشتگان نابود و نادیده گرفته نشود، بلکه به محصول زحمات آنها رونق و تکامل بیشتر ببخشند.

عصر حاضر با کمال تأسف با اهمال کاری ها و بی توجهی ها به تربیت زیربنایی و آغازین کودک مواجه است. قسمتی از دنیا تلاش دارد با تربیت مسموم خود نسل جدید را نابود کند و تربیت آنها را از شعاع وحی دور کرده و به قالب خرد سودپرست مادی تهی کند. ابزارهای آنها بسازد که تنها در رشد و تکامل مادی به کار گرفته شود.

این کار خیانت بارتترین و خوفناک ترین خدمتی است که به نسل معاصر انجام می گیرد و اثبات این مدعا در این چند سطر نمی گنجد. ولی اطلاعات موجود در جریده ها و کتاب ها این را ثابت می کند که ورای نیازهای مادی، نسل جدید خواسته های دیگری نیز دارد و آن تقویت بنیه معنوی و روحی است، و این حق مسلم و خواست فطری و

ذاتی آنهاست ولی دنیای جدید تلاش می کند تا آنان را از رسیدن به این حق باز دارد.

این مقدار که از عمر دنیا سپری شده، تا آنجا که اطلاعات، یعنی تاریخ، مکتوبات و... نشان می دهد، بشر با اتکای به اندیشه و توانایی صرف خود نتوانسته است در ساختن و پرورش اولیه نسل نوین و شکوفایی فرهنگ بشری و انسانی موفق باشد. آن گاه انسان ها موفق بوده اند که دستی از غیب بیرون آمده و به یاری بشر شتافته است. از کتاب آسمانی قرآن که بگذریم - که سالهاست از تحریف و خیانت سالم و مصون مانده است - به همین انجیل و تورات تحریف شده توجه کنیم، طرفداران و معتقدان به آنها - انجیل و تورات - با همان وضع تحریف شده آیاتش، با مراجعه به آنها یک آرامش درونی در خود احساس می کنند، غرب پیشرفته نتوانسته با آن همه تبلیغات و جنجال و هیاهو این احساس را از آنها کاملاً دور کند.

باید تأسف خورد و از اینکه پیروان اسلام بخواهند همان کارها و فعالیت های اروپایی ها را تجربه کنند، در آن ینگه دنیا دختر رئیس بزرگ ملتی در پی مطالعات و تحقیقات اسلامی می باشد؛ و در این طرف دنیا فرزندان اسلام می خواهند به گهواره ی آلوده تمدن غرب بغلتند.

بی شک باید اذعان داشت، اسلام در تمام ابعاد خود در میان سایر مکاتب، کامل ترین و سالم ترین و بافرهنگ ترین و غنی ترین مکتب است و برای نسل خود و پیروان خود و فرزندان نوین خویش اندیشه کرده است و متضمن است که اگر پیروانش از همان آغاز طفولیت و پیش از آن با راهنمایی های مکتب پیش بروند، بهترین و سالم ترین نسل و انسان ها را تحویل جامعه خواهند

داد. بزرگترین همت اسلام در عین بهره گیری از مواهب طبیعت و دنیا تکامل بخشیدن به بعد روحی و معنوی اوست.

لازم به یادآوری است نوشتار حاضر در مقوله تربیت فقط تا هفت سالگی کودک را در بر می گیرد و سعی شده از منابع اصلی یعنی آیات و روایات، که از زبان مستقیم وحی و پیشوایان معصوم علیهم السلام است، مطالب بیان شود و کم تر به تفسیر و تبیین شخصی پرداخته شود.

نوشتاری که پیش روست ابتدا به صورت سلسله مقالاتی در «مجله راه زندگی» ارائه و به چاپ رسید، سپس به پیشنهاد مدیر محترم انتشارات میثم تمار قرار شد این مجموعه به همان شیوه به صورت کتاب تدوین گردد تا مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد.

شایسته است از کلیه دوستانی که زمینه چاپ و نشر این کتاب را فراهم نمودند و زحماتی را متحمل شده اند، تقدیر و تشکر نمایم.

سید مجتبی موسوی زنجانرودی

شهریور ۱۳۷۷

فصل اول

hPZF : Ū m2.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً؛ ^(۱) ما بنی آدم را گرامی داشتیم و در دشت و دریا حرکتشان دادیم و از غذاهای پاک روزیشان دادیم و در میان مخلوقات خود به آنها برتری دادیم.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ ^(۲) نیافریدم جن و انس را، مگر اینکه پرستشم کنند. همان طور که از آیات روشن قرآن کریم، این کتاب آسمانی معلوم است، هدف از خلقت انسان مشخص می شود اضافه بر آیات دیگری که در کتاب مقدس اسلام در شرف و فضیلت و ارزش انسان آمده است که جایگاه و وظایف او را در میان سایر مخلوقات نشان می دهد. در این راستا - راستای پرستش - شریعت مقدس برنامه هایی را برای پیروان خود در آیات مختلف و در احادیثی که از پیامبر اسلام و از پیشوایان معصوم وارد شده و به ما رسیده ارائه داده است. برنامه هایی که از حین انعقاد نطفه ی انسان شروع می شود تا روزی که به خانه ی ابدی و جاویدان منتقل می شود، را در بر می گیرد.

یک سلسله از آن برنامه ها شامل دوران کودکی و نوجوانی انسان می شود. یعنی برنامه های تربیتی و فرهنگی.

اسلام برای اینکه پیروانش به سوی پرستش و تکمیل شدن در بعد روحی و جسمی حرکت کنند و بتوانند از عهده ی مسئولیت و پرستش برآیند، از همان آغاز انعقاد نطفه

ی کودک در رحم مادر، توجه و عنایت داشته و دستوراتی را به پیروانش داده است. بی توجهی به آن دستورات مساوی است با انحراف بشر از مسیر انسانیت و پرستش. انسان در مکتب مقدس اسلام بیهوده و سرخود و یا تصادفی خلق نشده است، این مکتب برای بشر یک آفریدگار قائل است و یک مبدأ و سرآغازی و یک معاد و سرانجامی. از زمان حرکت از مبدأ و سرآغاز خلقت انسان تا پایان و انتقال به دنیای دیگر درس های بسیار خوب و آموزش های بسیار عالی در نظر گرفته است.

مسئولیت تربیت دینی و مذهبی و جسمی انسان را در بعد فرهنگی و شکل گیری حیات معنوی اسلام به عهده پدر و مادر گذاشته است. والدین در هر یک از مراحل شکل گیری نطفه، دوران کودکی و طفولیت و دوران بلوغ فرزند وظایفی را بر عهده دارند.

دوران بلوغ یعنی دوران تکلیف و دوران مسئولیت پذیری، دورانی که خود فرزند باید پاسخ گوی اعمال و رفتار خویش باشد. پس از آن والدین نسبت به او هیچ مسئولیت قانونی و شرعی ندارند. ^(۳)

با توجه به توضیحات فوق محورهای این نوشته شامل سه بحث اصلی می باشد: دوران انعقاد نطفه، دوران تولد و کودکی و دوران نوجوانی تا بلوغ. البته به این قسمت آخر اندکی اشاره شده است، ولی اساس بحث همان دوران کودکی است.

اسلام، ریشه های اساسی تربیت انسان را در این سه محور اصلی تبیین نموده است. سعادت و شقاوت انسان در دوران های بعد، وابسته به این سه دوره است و سرنوشت او در آینده ریشه در این سه اصل و محور دارد.

ᵛᶞᶠᵇᵀ ḥüλᵒᵀÜ ᵑÜᵀᵐḥ

پیش از پردختن به مسائل دوران انعقاد نطفه لازم است توجه خوانندگان را به مسائلی که در شکل گیری فرزند اهمیت دارد و اسلام به اهمیت آنها اهتمام خاصی نشان داده است جلب نمایم. برای فرزندخواهی رهنمودهای بسیار قابل توجهی از ناحیه دین مقدس اسلام به پیروان خود داده شده است. از جمله آنها انتخاب شوهر و یا زن می باشد که انسان با چه افرادی ازدواج کند و در نتیجه فرزندان خوب و صالح و سالمی داشته باشد.

ازدواج، راه وصلت یک مرد و زن از طریق حلال با یکدیگر است، یعنی از طریق دین و از طریق قانون. از همین روست که هر قوم و ملتی برای خود راهی برای وصلت دارد و ازدواج هر قومی و قبیله ای طبق قانون خودشان محترم است و در دین اسلام تنها از طریق عقد صحیح شرعی وصلت امکان پذیر است، و قانون فقط آن را تأیید می کند و ازدواج هم با کسانی که اسلام وصلت با آنها را مشروع دانسته است مفهوم و معنی دارد.

اضافه بر آنهایی که اسلام ازدواج با آنها را منع کرده - ازدواج با محارم - ازدواج با عده ای را هم زشت و ناپسند شمرده است. علت و حکمت آن هم برای این است که اولاد انسان در بُعد فرهنگی و معنوی دچار مشکلات نشوند، و همین طور خود زن و شوهر در زندگانی مشترک مشکلی نداشته باشند.

انتخاب زن به عنوان همسر و شریک زندگی آینده، برای انسان از دشوارترین انتخاب‌هاست و همین‌طور انتخاب شوهر. اما اسلام این مشکل را با توجه به چند مسئله بسیار آسان نموده است، و این مسائل هم در مرد قابل توجه است و هم در زن که در جای خود به آنها نیز اشاره خواهیم کرد. آیین مقدس اسلام در آغاز به پیروان خود دستور داده است که با همکیشان خود وصلت کنند آن هم با همکیشان متدین، صالح و عقیف.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:
 يَنْكُحُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا وَ جَمَالِهَا وَ حَسَبِهَا
 وَ دِينِهَا، فَغَلِيكَ بِيذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ؛
 (۴) زن را یا برای مالش می‌خواهند، یا برای جمالش، یا برای حَسَبش و یا برای دینش، بهتر است با آنکه دین دارد، ازدواج کنید.

امام صادق ع می‌فرماید:
 طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛ (۵) خوشا به حال کسی که مادرش عقیفه باشد. اینها دستوراتی است که در خصوص ازدواج با زن‌های شایسته وارد شده است و این قبیل دستورات در منابع اسلامی ما فراوان به چشم می‌خورد. همان‌طور که متذکر شدیم اسلام، ازدواج کردن با یک عده از زن‌ها را منع کرده است.

مطالبی که در خصوص زن خوب بیان داشتیم از دیانت و عفت و خوش خلقی مقابل همین صفات بی‌دینی، بی‌عفتی و بدخلقی است که از ازدواج با آنها نهی شده است و نیز پیامبر اسلام و جانشینان معصوم او ازدواج با یک عده از زن‌ها را نکوهیده‌اند از جمله می‌فرمایند:

إِيَاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ
وَ وَلَدَهَا ضِيَاعٌ؛ ^(٦) از ازدواج با زن های
احمق بهره‌زید، چون مصاحبتشان مصیبت است
و فرزندانشان ضایع.

امام باقر عليه السلام: سؤال شد از حضرت که
ازدواج با زن زیبا و مجنون چگونه است؟
حضرت فرمود: نه، درست نیست.

«بپرهیزید از آمیزش با زن دیوانه». ^(٧)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِيَاكُمْ وَ خَضِرَاءَ الدَّمَنِ،
قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ:
الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ؛ ^(٨)
بپرهیزید از خضراء دمن، سؤال شد: خضراء
دمن چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در چمن
زار و یا در گلستان بد، پرورش یافته
باشد.

اینها مطالبی بود در خصوص زن و درباره
ی انتخاب نوع شوهر نیز از جانب شریعت
اسلام رهنمودهایی شده است.

چون زن و شوهر هر دو در ساختار جسمی و
روحي فرزند تأثیر دارند، لذا آیین اسلام
در مورد انتخاب همسر، حساسیت ظریف و فوق
العاده ای را نشان داده است. همان
خصوصیات و ویژگی هایی را که درباره ی زن
بیان داشته در خصوص مرد نیز عنایت نموده
و یکی از آنها که در مرد مد نظر است هم
کفو بودن در مسائل و ابعاد گوناگون می
باشد.

هم کفو بودن در دین، در اخلاق، در
تحصیل و اصالت خانوادگی است و اهتمام
اسلام در این خصوص بیشتر به دیندار بودن
می باشد، نمونه هایی از فرمایشات
پیشوایان اسلام را در اینجا ذکر می کنیم.
علی عليه السلام فرمود:

إِذَا كَرَّمَ الرَّجُلُ كَرْمَ مَغِيبَتِهِ وَ مَحْضَرَهُ؛ (٩)
وقتی که مرد کریم و خوب بود ظاهر و
باطنش نیز خوب و کریم خواهد بود.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:
إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ
فَرَوْجُوهُ... إِلَّا تَفَعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ
فَسَادٌ كَبِيرٌ؛ (١٠) اگر فردی برای خواستگاری
آمد، دینش و اخلاقش مورد پسند بود او را
رد نکنید و اگر این کار را نکنید، زمین
پر از فتنه و فساد بزرگ خواهد شد.
امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ خَمْرٍ فَقَدْ قَطَعَ
رَحِمَهَا؛ (١١) هرکس عزیز خود را به ازدواج
مرد شرابخوار درآورد، قطع رحم کرده است.
پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يَزُوجُ إِذَا خَطَبَ؛ (١٢) اگر
شرابخواری به خواستگاری آمد، به او دختر
ندهید.

اینها نمونه هایی بود از سخنان و
رهنمودهای پیشوایان معصوم اسلام و علت
اینکه در این قسمت مطالب مورد نظر،
انتخاب و آورده شد برای آن است که
ارتباط تنگاتنگی در شکل گیری فیزیکی و
روحي کودک دارد و دانشمندان معاصر به
این مسائل توجه خاصی نشان داده اند و
اثرات ژنتیکی آنها را در جنین بیان
داشته اند.

در شریعت مقدس اسلام، بیشتر تکیه بر
اصالت خانوادگی طرفین می باشد، حسن خلق،
خوی خوش و نجابت طرفین بیشتر مورد نظر
است تا مسائل دیگر.

امام علی عليه السلام فرمود:
حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛ (١٣) حسن
اخلاق دلیل است بر کرامت ریشه ها و عرق
ها.

انسان اگر به رهنمودهای دین توجه کند، در آینده خود را سرزنش و ملامت نخواهد کرد. راه هایی که بشر غیر از طریق اسلام انتخاب کند، راه های شیطانی و ندامتباری خواهد بود. آن وقت است که شیطان نیز از او گریزان می شود. قرآن با بیان زیبا و شیوای خود از زبان شیطان درباره ی کسانی که از او پیروی کرده اند و در نهایت بیدار گشته و خود را ملامت کنند و گناه را به گردن شیطان می گذارند، می گوید:

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا تُلْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ^(۱۴) شیطان گفت:

- به هنگامی که کار از کار گذشت - خداوند به شما به حق وعده داد و من نیز به شما وعده دادم، سپس از وعده ام سرپیچی کردم و مرا به شما تسلطی نبود، جز اینکه شما را خواندم و شما نیز اجابت کردید، پس مرا سرزنش نکنید و خود را ملامت نمایید. . . .

از همان آغاز، اسلام انسان را راهنمایی می کند که خشت اول درست گذاشته شود. خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج.

غرض از ازدواج و وصلت زن و مرد، تنها خاموش کردن غریزه و آتش شهوت نیست، بلکه به دنبالش زندگی مشترک و تولید مثل نیز می باشد. فردی که با اهداف عالی و هدفدار فوق ازدواج می کند و قدم بر حیات معقول می گذارد، ناگزیر است که به پیام های سازنده ی مذهب توجه بکند. از همان آغاز زندگی مشترک طبق فرامین عالی آسمانی، زندگی خود را پایه گذاری کند و با هوی و هوس وارد این عرصه نشود، چون

این میدان محل بازی نیست، این عرصه، گاو
نر می خواهد و مرد کهن و نه انسان نیرنگ
باز و بوالهوس.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی این ره که تو می روی به ترکستان است.

انسان امروز که بیرون از دین فکر می
کند و به مذهب توجه ندارد در غفلتی
بسیار گران و زیان بار قرار گرفته است،
انسان امروز، منهای مذهب مداران و دین
پرستان در مهلکه ی عجیب خودپرستی و نفس
پرستی به دام افتاده است. مهار حیات
معقول و عنان فطرت از دستش گسیخته و رها
شده است. او به سرنوشت و آینده ی
فرزندان خود اندیشه نمی کند، اندیشه ی
او فقط اشباع کردن شکم و مهیا کردن
زمینه ی رفاه و تا حدودی تحصیل آن است و
معیشت او تنها در مادیات خلاصه شده است.
به نیازهای روحی و فکری و معنوی متعالی
فرزندان توجهی نمی کند. غرب، امروزه
نمونه ی تکامل یافته ی انسان مادی می
باشد که از دست فرزندان خود به ستوه
آمده است.

ریشه های عمیق این فلاکت و بدبختی در
باتلاق سست و عفن مادیان قرار گرفته است،
پس در راستای پیشرفت و تکامل معنوی از
چنین انسانی چه توقعی غیر از درندگی و
وحشی گری و فسادانگیزی می توان داشت.
آنهايي که در طول سالیان دراز،
سالیانی که عمر طولانی از اسلام گذشته است
و به پیام های آن توجه داشته اند و
دستورات آن را سرلوحه ی زندگی خود قرار
داده اند و حیات بلندآوازه و تکامل
یافته آنها در لابه لای تاریخ و سیره ها
نهفته است. الگوهای عالی بشری و اسلامی
که در متن مذهب اسلامی پرورش یافته اند و
در میان میلیون ها انسان چون ستاره های
آسمان درخشیدند و خود را به ساحل نجات

رساندند و مرتبه علمی و عملی و کمال
معنوی آنها در هیچ توصیفی نمی گنجد. همه
به خاطر این بوده که ریشه در بیشه ی
مذهب داشته اند.

فصل دوم

αϕΤ ηύλϱΤŪ ζFűghλe zűUΘZFϷh

پس از عنایت و توجه به مباحث پیشین در انتخاب نوع همسر، دین مقدس اسلام توجه پیروان خود را به مسائلی که ریشه در شکل گیری و ساختار جسمی و روحی فرزند دارد، جلب می کند. این مسائل در سرنوشت و آینده فرزند نقش بسیار حیاتی دارد و آنها یک سلسله دستورها و رهنمودهای اخلاقی و در عین حال پراهمیت و تحت عنوان مراقبت های ویژه می باشند که در آستانه ی تولید مثل و آمیزش باید به آنها توجه کامل داشت.

جا دارد امروزه علما و دانشمندان ژنتیک بیشتر روی این برنامه ها تحقیق و تفحص کرده آنها را مورد بررسی دقیق قرار دهند و به اعمال این دستورهای آسمانی پی ببرند و اثرات و نتایج خوب و بد آنها را مانند آنچه که در رابطه با تأثیر زیانبار سیگار و مواد مخدر و مشروبات الکلی و تأثیر تغذیه خوب بیان داشته اند، به جامعه ارائه دهند.

Q!Y Y Āŭ kğəb :Ū ŪğəGF

اسلام اضافه بر آنچه که دانشمندان تغذیه آن را رد و یا قبول می کنند عنایت و توجه دارد به یک سلسله مسائل تغذیه ای که تأثیر نیک و یا بد دارند و در خلق و خوی فرزندان در دوران شکل گیری جنین مؤثراند و سرنوشت او را در آینده رقم می زنند.

گمان نمی رود که این تأثیرها و نتایج در آزمایشگاه علوم ظاهری شناخته شود. طبق فرمایش پیامبر اسلام ﷺ شقاوت و سعادت انسان بستگی به رَحِم مادر و دوران جنینی کودک دارد. در این دوران پدر و مادر باید به این مراقبت ها اهمیت بیشتری بدهند.

یکی از آن مسائل، تغذیه پدر و مادر از غذاهای پاک و حلال است. لقمه ناپاک و حرام، در گوشت و خون والدین نفوذ کرده و از طریق آمیزش به جنین انتقال یافته و یک موجود مبتلا به ویروس و یک جنین مبتلا به امراض و ناپاکی شکل می گیرد که پالایش و تهذیب و تزکیه او پس از تولد بسیار مشکل است. ناگفته نماند پدر نقش اول را ایفا می کند. پدر هرچه پرهیزگارتر، فرزند شایسته تر، سالم تر، صالح تر، و مطمئن تر و بهتر و در مرحله ی دوم این مادر است که باید مراقبت های ویژه از جنین داشته باشد.

صهزف q̄ũ± Āθhə âz

در تاریخ زندگانی پیامبر اسلام ﷺ آمده است که پس از آنکه آن حضرت با خدیجه (س) ازدواج کردند، پیش از انعقاد نطفه ی حضرت زهرا (س) از جانب خداوند به پیامبر ﷺ دستور داده شد که چهل شبانه روز باید دور از خدیجه باشد. در این مدت شب ها به عبادت پرداخته و روزها در روزه باشد. در شب چهلم با خرما و انگور بهشتی و به نقلی با سیب بهشتی افطار کرد و به نزد خدیجه رفت و نور فاطمه به رَحِم خدیجه منتقل شد. (۱۰)

فاطمه کیست و چگونه زنی است و حاصل آن گونه وصلت چه شد؟ و چگونه فرزندی برای پدر و مادرش و چگونه مادری برای امامان شد؟ علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به کتاب هایی که در زمینه ی زندگانی پیشوایان و ائمه اطهار علیهم السلام تدوین یافته، مراجعه کنند.

البته در این خصوص مدارک و شواهد حدیثی و تاریخی فراوان است که در اینجا به عنوان الگو و نمونه به یک جریان تاریخی از زندگانی پیشوای عالی بشریت اشاره شد، که خود فرمود: من الگوی بسیار عالی برای شما هستم.

ریزه کاری ها و حساسیت های قابل توجهی که اسلام در این باره دارد در حیات بشر و سرنوشت او بسیار مؤثر است و در هیچ مکتب و مسلکی دیده نشده است. چرا که او از یک مکان بسیار مقدس آمده و برگشت او هم باید به همان جا به قداست و پاکی و تنزه باشد.

زمین شوره سنبل بر نیارد در او تخم عمل ضایع مگردان

«سعدی»

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:
أَلَشَّقَى مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ
سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ ^(۱۶) انسان بدبخت، در شکم
مادرش بدبخت است و انسان خوشبخت، در شکم
مادرش خوشبخت است.
با توجه به مباحث ذکر شده، مراقبت در
دوران انعقاد نطفه و در دوران بارداری
برای والدین حائز اهمیت است.

فصل سوم

□ □ ḥPZF ḥ

فرزندخواهی در فطرت بشر نهفته است. لذا پس از وصلت یک زن و مرد توسط دستان پر قدرت آفریدگار، این موجود دوست داشتنی ریشه‌ی ایجاد و خلقتش در اعماق جان و روح مادر به بار می‌نشیند، و پس از سپری شدن دوران جنینی، کودک از عالم رَحِم به عالم بزرگتر یعنی دنیای پهناور و محل زندگی آنها قدم می‌گذارد و امید و ادامه‌ی زندگی بیشتر می‌شود و حلاوت حیات در کام آنها افزون می‌گردد.

اما او نوپاست، احتیاج به غذا که عبارت از شیر گوارای مادر است، دارد و همین طور احتیاج به مراقبت.

کودک علاوه بر آنکه یک نعمت و رحمت است وجودش علت و حکمت نیز هست، بالاتر از آن امانت الهی است در دستان پدر و مادر، آنها در قبال او مسئولیت دارند، همان طور که ذکر شد در دوران انعقاد نطفه و بارداری مراقبت بیشتری دارد. مراقبت غذایی، مراقبت روحی، عمده وظایف پدر و مادر در این دوران می‌باشد.

اسلام دستور داده است که مادران از زمان تولد کودک، به مدت دو سال تمام - آن هم از شیر خود - او را شیر دهند. (۱۷) سرپیچی و تخطی از این امر، فوق العاده به ضرر کودک تمام می‌شود. هم چنین همراه بودن مادر در این مدت با کودک الزامی است، به غیر از زمانی که کودک در خواب است، خوب است مادر همیشه فرزند را در کنار خود داشته باشد.

پس از سپری شدن دوران کودکی - یعنی دو سال شیرخوارگی - تربیت ها و مراقبت های ویژه ای را می طلبد. پدر و مادر در زمانی که کودک به هوشیاری لازم رسیده است، باید در اعمال و رفتار خود در محیط خانه و در کنار کودک محتاط و جانبدار باشند. حرکات و سکنات و رفتار توأم با حیا و حجب و عفاف، داشته باشند. البته مطالب بسیار ظریفی در اینجا هست که در کتب اخلاقی و فقهی شیعه به آنها اشاره شده است. علاقه مندان می توانند به کتاب های مربوطه، مخصوصاً کتاب شهید پاک نژاد (۱۸) مراجعه کنند.

در اینجا فقط به اهمیت تربیت کودک اشاره می کنیم و از منابع اسلامی استمداد می جوییم.

پیشتر بیان شد که فرزند در دستان والدین امانت الهی می باشد. پس ضرورت ایجاب می کند که از آن امانت به نحو احسن و طبق راهنمایی های مذهب، حراست و نگهداری نموده و او را صحیح و سالم به صاحب اصلی یعنی خداوند تحویل دهد. خوب تربیت کردن آنها در پیشگاه خداوند پاداش خوب دارد و بد تربیت کردن آنها پاداش بد.

اینک به بعضی از ارشادهای بزرگان اسلام اشاره می کنیم:

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: **أَلْزَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ، فَإِنَّ أَوْلَادَكُمْ هَدِيَّةٌ إِلَيْكُمْ؛** (۱۹) مراقب کودکان خود باشید و آنها را خوب تربیت کنید، چون آنها هدیه ای هستند از جانب خداوند برای شما.

امام علی عليه السلام فرمود: **وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛** (۲۰) پسرم! قلب

فرزند نورس مانند زمین خالی است، خالی از بذر و گیاه، هر تخمی که در آن بیفشانی، همان می روید.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفِرَ لَكُمْ؛ ^(۲۱) فرزندان خود را عزیز بدارید و آنها را خوب تربیت کنید.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ؛ ^(۲۲) خداوند به مردی که به فرزندش و کودکش محبت کند، رحم می کند.

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
وَ إِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْإِدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ؛ ^(۲۳) تو در

مقابل کسی که ولایت او را به عهده گرفته ای، مسئول هستی، اینکه او را خوب تربیت کنی و به سوی خدایش راهنمایی کنی.
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

قَالَ لِقَمَانٍ يَا بُنَيَّ إِنْ تَأَدَّبْتَ صَغِيرًا إِنْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا وَ مَنْ عَنِ بِالْإِدَبِ إِهْتَمَّ بِهِ وَ مَنْ إِهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ وَ مَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ إِشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ وَ مَنْ إِشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ أَذْرَكَ بِهِ مَنَفَعَتُهُ؛ ^(۲۴) لقمان به فرزندش فرمود:
فرزند! اگر کودکی را تربیت کردی در بزرگی از آن بهره خواهی برد و کسی که به تربیت کودک توجه کند به او کمک کرده است، و کسی که به او کمک کند

علم و دانش او را عهده دار شده است و کسی که علم او را به عهده گرفته، تلاش و کوشش او را افزون نموده سود آن را به وسیله ی آن درک کرده است.

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزِينَ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا؛ ^(۲۵) در امر کودک مانند کسی عمل کن که کار خود را برای

بہتر کردن و با ارزش جلوہ دادن تزیین می کند.

فصل چهارم

zθÛəãzŭT

نام و نامگذاری در فرهنگ عمومی دنیا جایگاه ویژه ای برای خود دارد. وجه تمایز انسان ها و سایر موجودات این است که با اسم از یکدیگر شناخته می شوند. در اسلام، نامگذاری و انتخاب اسم، از یک ویژگی خاص برخوردار است. آیین و مراسم نامگذاری و انتخاب نوع اسم در اسلام، یک فرهنگ قابل توجه به شمار می رود. از اولین روزی که کودک قدم به دنیا می گذارد، در اسلام عنایت شده است که تا سه روز اسم کودک گذاشته شود.

سیره ی پیشوای بزرگ اسلام، پیامبر اکرم ﷺ این بوده است که هنگام نامگذاری کودک، ابتدا اذان به گوش راست او، و سپس اقامه به گوش چپ او می خواند و آن گاه نام کودک را می نهاد و حضرت فرموده است: که پیروانشان یا نام ایشان را و یا نام یکی از پیشوایان معصوم اسلام را بر فرزندان بگذارند. ^(۲۶) هم چنین فرموده است: بهترین و زیباترین نام را برای فرزندان خود برگزینید و از انتخاب نام های زشت و مسخره آمیز و ناپسند پرهیز کنید، ^(۲۷) و شخص حضرت سیره اش این بوده است که اگر نام کسی و یا شهری، زشت بود اقدام به تغییر آن می کرد و نام بهتری برای آن انتخاب می فرمود.

به همین خاطر، اسلام یکی از وظایف پدر و مادر را نسبت به فرزند، انتخاب نام نیک قرار داده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يَسْمِيَهُ بِإِسْمِ
حَسَنٍ فَلْيَحْسَنَ أَحَدُكُمْ إِسْمَ وَلَدِهِ؛ (۲۸) اولین
قدم خوبی که انسان بر می دارد این است
که نام نیک به فرزند خود بگذارد، پس در
این کار نیک کوتاهی نکنید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَوْلَادٍ لَمْ يَسْمِ أَحَدَهُمْ
بِإِسْمِي فَقَدْ جَفَانِي؛ (۲۹) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود: هرکس چهار فرزند داشته باشد و
نام مرا بر یکی از آنها نگذارد بر من
ستم کرده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي
الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانِ؛ (۳۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام
های زشت را تغییر می داد. هم نام شهرها
را و هم نام انسان ها را.

این مسائل علاوه بر اینکه یک برنامه ی
ظاهری و تشریفی که در اسلام و در میان
مسلمانان وجود دارد، حکایت از یک برنامه
ی واقعی و معنوی و درونی نیز دارد، برای
کسی که در دارالاسلام زندگی می کند. یک
هویت و کیش است و یک شعار مذهبی است و
اعلان حضور و عرضه ی وجود و اظهار وجود و
هستی و زنده بودن است و شعائر دینی است،
بر کسی که عرق مذهبی و دینی دارد و زنده
نگه داشتن آثار نبوت است. پیش از
نامگذاری، اسلام به یک برنامه ی ظریفی
نیز مسلمانان را توجه داده است و آن،
این است که وقتی کودک به دنیا آمد کام
او را با تربت امام حسین علیه السلام متبرک کنند.

فصل پنجم

آهزآ ُ ُ ُ

طبیعت کودک مانند سایر موجودات که شروع به رشد می کنند نیاز به نوازش دارد. تحرک و جنب و جوش، اگر در طبیعت نباشد، امکان رشد وجود ندارد. لذا بازی با کودک، احتیاج طبیعی اوست. تحرک، خنده، بازی و ... موجب رشد و بالندگی او می شود و از نظر روحی و روانی تأثیر فوق العاده ای دارد و از ناحیه ی دین اسلام به این امر توجه و عنایت خاصی شده است.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبًا؛ (۳۱) کسی که کودک دارد باید در پرورش وی، کودکانه رفتار کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

دَعُ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ؛ (۳۲) بگذار فرزندت تا هفت سالگی بازی کند.

سیره و روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای پیروانش درس بزرگی است. ایشان خود، امام حسن و امام حسین را به دوش می گرفت و با آنها بازی می کرد. این کار لازمه ی دوران حیات کودکی با فرزند است.

بازی والدین با کودک به نحو مشروع و بدون افراط و تفریط باید در برنامه ی زندگی روزانه قرار داده شود و هم چنین خریدن اسباب بازی مناسب و در خور شأن اقتصادی پدر و مادر و در خور شأن کودک لازم است.

أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُمُ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمُ فَفَعَلُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَزُرُّقُونَهُمْ؛ (۳۴) کودکان را دوست بدارید و با آنان عطف و مهربان باشید.

رسول اکرم ﷺ فرمود:
أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَكُمْ؛ (۳۵) به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنان معاشرت کنید.
امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَالِدِهِ؛ (۳۶)
خداوند متعال به مردی که بیشتر به فرزندش محبت کند، رحم می کند.

یادآوری می شود در این مورد نیز مانند سایر موارد اعتدال و میانه روی مد نظر باشد و چنان نباشد که محبت موجب جرأت و جسارت کودک نسبت به پدر و مادر و یا دیگران باشد. محبت تا حدی مورد نظر است که حریم و حدود احترامات حفظ شود و چنان نباشد که فرزند نسبت به دیگران جسور و جری باشد.

محبت در اسلام، نوعی تربیت صحیح و درست و منطقی و حریم قائل شدن به رفتار و کردار متقابل فرزند به والدین و دیگران است و بهتر اینکه محبت به حد افراط و تفریط نرسد که آن گاه نه تنها به نفع کودک نیست، بلکه به ضرر اوست و در دین مبین اسلام نیز از این گونه محبت نهی شده است.

امام صادق عليه السلام فرمود:

شَرُّ الْآبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ شَرُّ الْآبْنَاءِ مَنْ دَعَا التَّقْصِيرَ إِلَى الْعُقُوقِ؛ (۳۷)
بدترین پدران - والدین - کسانی هستند که نسبت به فرزند در محبت افراط کنند و بدترین فرزند کسی است که کوتاهی او نسبت به والدین به عاق شدن منجر شود.

چیزهایی در آینده ی او خوب است و نقش دارد.

متأسفانه آنهایی که خارج و بیرون از اسلام هستند، در طول سالیان دراز و با فعالیت های بی وقفه نتوانستند با فرهنگ های خود ساخته به یاری فرزندانشان بشتابند، لذا آنها را به بیراهه کشاندند و قدرت مهار و کنترل عصیان های روزافزون آنها را از دست داده اند. اما اسلام چهارده قرن است که با فرهنگ غنی و آسمانی خود، فرزندانش را در حصار و حفاظ استوار و محکم حفظ کرده است. به خاطر ارایه راه درست تربیت، پیروانش در خلق و خوی بشری نمونه و سرافراز جهانیان می باشند، کسانی که از این قوم به بیراهه و انحراف کشانده شدند، در اثر بی توجهی خانواده ی آنها و همین طور دوری گرفتن آنها از مرام های مذهبی و آیین اسلام و گریز از کانون های انسان ساز مذهبی بوده است و تاکنون اسلام در تربیت فرزندانش در مسیر خود با دشواری و کوتاهی مواجه نگشته است.

پیروان اسلام اگر در این عصر توجهی به آداب و سنن فرهنگی نکنند از همگان، برتر و والاترند. درست است که تربیت یک مسئله دشواری است، ولی اگر از همان آغاز رشد کودک که قابلیت و ظرفیت پذیرش خوب و بد را دارد و در همان حال پیرو و تابع پدر و مادر است تربیت شود، مشکلی در راه تربیت پیدا نخواهد کرد. در نهایت باید واقعاً به این امر اهمیت داد چون کودک امروز، جوان فرداست و جوان فردا، بزرگسال پس فرداست، تربیت او در دوران طفولیت چراغ راه آینده ی اوست.

بزرگان و خردمندان عالم از دیرزمان در سخنان و در مباحث خود به مسائل تربیتی اهمیت داده اند.

«تربیت، بزرگترین و سخت ترین مسئله ای است که برای حل کردن به انسان داده می شود، زیرا که بصیرت انسان بسته به تربیت اوست و این یکی هم بسته به بصیرت او».^(۳۹)

«کانت»

«مسئله تربیت برای نژاد کنونی مسئله زندگی و مرگ است».^(۴۰)
«ارنست رنان»

«هر تربیتی در درجه ی اول باید اخلاقی و در درجه ی دوم عقلی باشد. هر تربیت کامل، عقلی است. بدون تربیت اخلاقی و یا پیش از این یکی غیرممکن است و هر تربیت ناقص، یک بدبختی است».^(۴۱)
«جون ریسکن»

بیان نظریات سه تن از فلاسفه ی اروپایی، فقط به خاطر اهمیت اعتراف آنها در این مورد بود، وگرنه همان گونه که در ابتدا نیز اشاره شد تصمیم بر آن است که در این نوشتار، صرفاً از آیات الهی و روایاتی که از ائمه ی اطهار علیهم السلام وارد شده است، استفاده شود.

هدف اسلام از تربیت فرزندان، تربیت خوب و نیک آنهاست. خوبی ها و نیکی هایی که خود اسلام بیان داشته است که در راستای مذهب و تعالی روحی و معنوی و دینی باشد نه چیز دیگر و امتیاز اسلام در میان سایر مکتب ها به همین امر تربیت معطوف است و فلسفه ی وجودی اسلام نیز طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در همین امر خلاصه می شود که فرمود: **إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛**^(۴۲)
من برای تکامل بخشیدن به اخلاق و خوی خوب بشریت مبعوث گشته ام.

فصل هفتم

□ □ ēñūga

در بحث های پیشین اشاره ای شد به مراقبت های ویژه، به اینکه کودک پس از تولد نیازمند مراقبت است. از جمله ی آن مراقبت ها حُسن معاشرت و برخورد خوب با اوست.

کودک، قلب ظریف و لطیفی دارد و همین طور روان انعطاف پذیر و زودرنج، با یک تبسم و لبخند زدن به او، می خندد و با یک اخم، آزرده می شود. کودکی دوران بسیار حساسی است. حاصل زحمات در پرورش او پس از سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی است که خود را نشان می دهد. امکان دارد به خاطر وابستگی های خانوادگی که کودک دارد پاسخ به اعمال خوب و بد والدین در آن دوران ها را ندهد، ولی پس از پایان دوران کودکی و نوجوانی، او عقده ها و کینه های نهفته ی پیشین را و همین طور محبت و لطف والدین را - که خاطره ی بسیار شیرین آن دوران است - بی پاسخ نخواهد گذاشت.

برخوردهای والدین او را به همان کیفیت که می بیند تربیت می کند و او نیز همان ها را تحویل جامعه و به نسل پس از خود می دهد. اگر والدین توقع دارند که فرزند مطیع و فرمانبرداری داشته باشند و موجب سربلندی و افتخار آنها باشد و در آینده به علت وجود او خود را سرزنش و ملامت نکنند، باید برخورد خوب و معاشرت نیک با او داشته باشند. در همان آغازی که قدرت تمیز و درک تشخیص دارد نیکی ها را در عمل به او نشان دهند. به عنوان مثال اگر

کودک زبان گشوده است و هنگامی که صبح از خواب بیدار می شود با یک سلام گرم و مهرآمیز با او روبه رو بشوند و هنگامی که شب به بستر می رود با یک شب بخیر او را نوازش کنند.

سیره ی پسندیده ی پیامبر خدا، آن معلم بزرگ بشریت که پیروان خود را نیز به این عمل و اعمال خوب دیگر سفارش نموده این است: «ملاطفت با کودکان، معاشرت خوب و پیشی گرفتن در سلام به آنها».

فیض کاشانی در این مورد چنین می گوید:
وَ التَّلَطُّفُ بِالصَّبِيَانِ مِنْ عَادَةِ الرَّسُولِ؛ (۴۳)
یکی از روش ها و عادات رسول خدا ﷺ، ملاطفت با کودکان بود.

وَ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ : يَقْدِمُ مِنَ السَّفَرِ فَيَتَلَقَاهُ الصَّبِيَانُ فَيَقِفَ لَهُمْ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمْ فَيَرْفَعُونَ إِلَيْهِ، فَيَرْفَعُ مِنْهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ يَأْمُرُ أَصْحَابَهُ أَنْ يَحْمِلُوا بَعْضُهُمْ فَرَبِّمَا يَتَفَاخَرُ الصَّبِيَانُ بَعْدَ ذَلِكَ؛ (۴۴)
هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم از سفر بر می گشت، کودکان به استقبالش می شتافتند، آن گاه ایشان توقف می کرد و به آنها می فرمود بیایید به آغوشم و آنها هم از سر و دوش حضرت بالا می رفتند و حضرت به اصحاب خود نیز دستور می داد که بعضی از آنها را بغل کنند، کودکان بعدها به این عمل رسول خدا ﷺ تفاخر می کردند.

انس بن مالک می گوید:
عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ عَلَى الصَّبِيَانِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ مُعَدُّ؛ (۴۵)
وقتی که پیامبر اکرم ﷺ با کودکان برخورد می کرد به آنها سلام می کرد و طعامشان می داد.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

وَ أَجْمِلْ مُعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ؛
(۴۶) معاشرت خود را با کودکان و بزرگان
زیبا بکن.

فصل هشتم

tʒhPŪY ΘŭFIΘ eZKİF

یک بُعد از معاشرت و سلوک خوب با فرزند به اعمال و رفتار خاص والدین و برخورد متقابل آنها مربوط است. نیروی تقلید و قوه ی جاذبه ی کودک بسیار قدرتمند است، لذا سریع هر آنچه را که در پیرامونش اتفاق می افتد دریافت می کند، و چه بسا بعضی از آن رفتارها و اعمال را دقیقاً انجام دهد، بدین جهت والدین باید به این موارد دقت کنند و با بی توجهی و بی اعتنایی از کنار آن نگذرند و تصور نکنند که او بچه است و نمی فهمد، و ... که این نوع طرز تفکر از عدم درایت و سادگی والدین بچه سرچشمه می گیرد و نمی دانند همین بی توجهی و بی اعتنایی به کودک در آینده چه انعکاسی خواهد داشت و چه تأثیری در بافت و ساختار فرهنگی و اخلاقی او به وجود می آورد و حتی ممکن است منشأ بسیاری از ناهنجاری ها و بزهکاری در کودک گردد.

آنچه که بیشتر قابل توجه و با اهمیت است بزرگ دانستن و مهم پنداشتن همین توهمات است که به نظر خیلی کوچک جلوه می کند. اتفاقاً بسیاری از کودکان نسبت به همان چیزهایی که بزرگان قابل توجه نمی دانند خیلی هوشیارند، پس بهتر است والدین در رفتار خود خیلی دقیق باشند اعمالی را که اسلام زشت و ناپسند شمرده، پیروانش به آنها دقت و توجه کنند که خیر و صلاح خود و فرزندانشان در آن است. هتاکی والدین به یکدیگر و عیب گویی و ناسزاگویی و ... از شأن انسان های عاقل

به دور است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است یکی از حقوق فرزندان به عهده ی پدر، احترام کردن او به مادر اوست که در مطالب پیش به این حدیث اشاره شد. گذشته از مسائل فوق که مربوط به سلوک والدین در خانه است مسائل دیگری نیز هست که قابل توجه و عنایت است. البته یادآوری این نکته ضروری می نماید که اکثر خانواده ها و والدین به مسائل اخلاقی و معاشرت به خوبی و رفتار نیکو با یکدیگر توجه دارند و این صفات خوب و پسندیده را به صورت ژنتیک به فرزندان منتقل می کنند و تنها معدودی از افراد هستند که در رفتارهای اجتماعی و برخورد با نزدیکان خود از هنجارهای اجتماعی تبعیت نمی کنند.

زن و شوهری که تحت پرچم اسلام زندگی می کنند و نور دیانت خداپرستی در قلبشان تابیده است و به اسلام عشق می ورزند و به پیامبر و خاندانش دل بسته اند، دوست دارند زندگیشان در چهارچوب اسلام محفوظ باشد و می خواهند نسل های سالم داشته باشند، باید محیط منزلشان را از رفتارها و اعمال گرفتار لغزش، منزه نمایند.

اسلام ظرافت کاری هایی دارد که خیلی زیبا و قابل توجه است، آداب و معاشرتی که اسلام به پیروانش آموخته، برای سالم نگه داشتن محیط خانه و جامعه و برای سالم رسیدن این قافله ی بشری به سرمنزل مقصود است، از این روست که برای سلوک در خانه و جامعه ای که در آن زندگی می کند و هم چنین جهانی که امروزه با گسترش شبکه ارتباطات در حکم دهکده است، برنامه ریزی دقیق دارد. به همین جهت حتی آن مسائل ریز و غیر قابل توجه از نظر ما را، مهم دانسته است.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ...: (٤٧) ای کسانی که ایمان آورده اید باید آنهایی که سرپرستیشان به عهده ی شماست و آنهایی که به سن بلوغ نرسیده اند در سه وقت هنگام ورود به منزل شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح و هنگامی که در نیمروز استراحت کرده اید، و بعد از نماز مغرب و عشاء...
 امام صادق عليه السلام فرمود:

لايجامعُ الرَّجُلُ إِمْرَأَتَهُ وَ لِاجَارِئَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَيِّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يورثُ الزَّنا؛ (٤٨)
 زن و شوهر در خانه ای که کودک صدای آنها را می شنود آمیزش نکنند، برای اینکه موجب و مورث فسق می شود.
 رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ إِمْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَيِّ مَسْتَيْقِظٌ يَرَاهُمَا وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسَهُمَا مَا أَقْلَحَ أَبَدًا إِنْ كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً؛ (٤٩) قسم به او که جانم در ید قدرت اوست، اگر زن و شوهری در خانه ای که کودک صدای آنها را می شنود و بیدار است و آنها را می بیند آمیزش کنند، هیچ گاه آن کودک رستگار نخواهد شد. چه پسر باشد و چه دختر، فاسق خواهند شد.

لازم به یادآوری است که سعی ما در این نوشتار بر آن است که به مسائل کلی اشاره کنیم و علاقه مندان می توانند برای راهنمایی بیشتر، به کتبی که در این زمینه انتشار یافته مراجعه کنند.

فصل نهم

..Iḏ y ũzŸ @'zãÄ

وجه ممیز انسان و تفاوت خوب و بد او در صفات و رفتار و خلق و خوی اوست. نیکی ها با زشتی ها سنجیده می شود، میزان در تشخیص آنها عقل و شرع است، یعنی خوبی ها و بدی ها را یا عقل انسان تشخیص می دهد یا شرع آنها را به انسان معرفی می کند. حیا و عفت نیز از جمله چیزهایی است که هم عقل فطری انسان آنها را می ستاید و هم شرع به آنها اهمیت داده است.

«حیا» عبارت است از شرم که موجب می شود انسان از عملی که سرزنش و ملامت آور است دوری کند و «عفت» عبارت است از پاکدامنی و پارسایی که موجب نزدیکی بیشتر انسان به خدا و خدا به انسان می شود. سرمنشأ حیاپذیری و عفت، خوبی والدین است. همان طوری که در بحث قبلی گذشت که باید پدر و مادر خود حریم عفاف و حیا را نگه دارند و لازم است راه حیا و عفت را به فرزندان نیز بیاموزند و آن دو را به آنها معرفی کنند و مصادیق آنها را بشناسانند که در چه مواردی حیا داشته باشند و عفت را رعایت کنند و دامن خویش را از آلوده شدن به محرّمات و پلیدی ها حفظ کنند.

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ؛ ^(۵۰) هرکسی که لباس حیا او را بپوشاند، مردم عیب او را نخواهند دید.
أَلْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ؛ ^(۵۱) حیا انسان را از اعمال زشت باز می دارد.
امام صادق علیه السلام فرمود:

لا حَيَاءَ لِمَنْ لَا إِيمَانَ لَهُ؛ (۵۲) آن کسی که
حیا ندارد، ایمان ندارد.

مصادیق خارجی حیاورزی و عفت پذیری بسیار است. حیا در گفتار، حیا در کردار و همین طور عفت و ... در راستای بندگی هیچ گونه ناراستی قابل بخشش نیست و آنهایی هم که خود را بنده ی خدا نمی دانند یعنی زیر بار خداپرستی نمی روند، آنها نیز از بی بند و باری و بی حیایی و بی عفتی سودی نمی برند، بلکه خود را بیشتر در مخاطره می اندازند و در نهایت تلاش می کنند خانواده ی خود را از دید و تعرض بیگانه حفظ کنند و تحمل کوچکترین جسارت را به خود ندارند. با این همه، بدون توجه به آینده ی آنها، خود را در مخاطره ی ناخودآگاه و ناخواسته قرار می دهند و نمی دانند که این خودشان هستند که شعله بر خرمن هستی فرزندانشان می زنند و آینده ی آنها را در خطر انحراف و سقوط قرار می دهند و موجب از هم پاشیدگی کیان خانواده ی خود می شوند و اینکه امروزه طبقه ی عصیان گری با عناوین خاصی در جوامع بروز می کنند که به هیچ خدایی سر تسلیم فرود نمی آورند و سیادت کسی را نمی پذیرند، حاصل همان بی توجهی است و حاصل دستاورد فرهنگ صرفاً مادی است که اربابان دنیاپرست و از خدا بی خبر آن را ترویج می کنند.

ضمانت بقای نسل بشر و ضمانت سالم ماندن جامعه، توجه نمودن به فرامین آسمانی است.

انسان با حیا و عفتش تفسیر می شود و انسانیت منهای این دو معنی ندارد. پس یکی از وظایف مهم پدر و مادر تفهیم حجب و حیا و عفت به فرزندان است و انسان آن گاه از جامعه ی حیوانی متمایز می شود که

جامعه ی او، جامعه ی عفاف و حیا بر تن
داشته باشد.

فصل دهم

kzZR&F y' ùzhĩF

کودک تا هفت سالگی به محبت نیاز دارد، منظور این نیست که بعد از آن احتیاج به محبت ندارد. محبت در طول عمر انسان سرمایه ی بقا و حیات اوست و ضمانت سلامتی روح او، ولی تا هفت سالگی بیشتر باید با او از طریق محبت رفتار کرد و تا آن زمان او معنی تشویق و تأدیب را درک نمی کند. تنها یک چیز باعث رشد و بالندگی او می شود و آن ابراز علاقه ی بیشتر و محبت به اوست، او باید تا هفت سالگی بازی کند، پس از آن پدر و مادر تکالیف دیگری نسبت به او دارند که باید به آنها پردازند، در راستای این وظایف، جهت هدایت مستمر و حفظ و حراست او، دو روش موجود هست یکی راه تشویق است و دیگری راه تأدیب.

با ورود کودک به هفت سالگی، دوران سخت و دشوار تربیت او فرا می رسد. زمان مدرسه رفتن و وارد شدن به جمع دوستان و گروه همسالان، آن هم کودکانی که هرکدام فرهنگ، اخلاق، خلق و خوی متفاوتی دارند، و هر یک از این عوامل می تواند در خلق و خوی او تأثیر بگذارد، و اگر والدین اشراف کامل به او نداشته باشند، احتمال دارد زحمات پیشین آنها هدر رود. در اینجاست که وظیفه ی خطیر و مهم پدر و مادر بیشتر می شود. تشویق و تأدیب ضرورتش در این مواقع احساس می شود.

ادب و تأدیب دو اصطلاح همگون و هم خانواده است، یکی به معنی تربیت کردن و دیگری به معنی تنبیه کردن می باشد. اسلام تربیت و ادب آموزی به فرزند را مقدم بر

تأدیب و تنبیه می داند. «ادب» نشان دادن راه و اصول صحیح زندگی است و یاد دادن نحوه ی رفتار با خود و با دیگران است. تأدیب و تشویق هم باید در همین مسیر باشد. تأدیب هم به دو نحو امکان دارد که وقتی کودک از مسیر صحیح و راه درست زندگی منحرف شد او را باز گرداند و یا از ادامه ی راه نادرست باز دارد. یکی اینکه زشتی انحراف را به او نشان دهد و دیگر اینکه با اعمال درست زشتی راهی را که پیش گرفته و یا عملی که انجام داده او را بیدار و شرمنده کند و یا اینکه با مقداری تنبیه بدنی که منجر به صدمه دیدن نباشد و او را متنبیه کند وی را تأدیب کند.

دوران تربیت کودک را پیشوایان اسلام، به سه دوره ی هفت ساله تقسیم کرده اند. امام صادق علیه السلام فرمود:

دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ، وَ يُؤَدِّبُ سَبْعًا، وَ أَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سَنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلاَّ فَإِنَّهُ لَأَخِيرَ فِيهِ؛ ^(۵۳) بگذار فرزند تا هفت سالگی بازی کند، و در هفت سال دوم او را پرورش و تأدیب کن، و در هفت سال سوم خود را بیشتر به او ملزم کن - یعنی بیشتر مواظبش باش - اگر اصلاح و رستگار شد چه بهتر، وگرنه پس از آن هیچ فایده ای ندارد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أَلْوَلَدُ سِيدٌ سَبْعَ سَنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سَنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سَنِينَ؛ ^(۵۴) فرزند هفت سال سرور و آقا است، و هفت سال نوکر است و هفت سال وزیر است.

و در حدیث دیگری می فرماید:

وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ؛ وَ هَفْتِ سَالٍ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ يَادُ مِي گيرد. و در حدیثی می فرماید:

الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ
سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ
سِنِينَ؛ ^(۵۵) فرزند هفت سال کتاب بخواند و
هفت سال حلال و حرام یاد بگیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَلَوْلَدُ سَيِّدُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ،
وَ وَزِيرٌ سَبْعَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ
سِنِينَ؛ ^(۵۶) فرزند هفت سال آقا است و هفت
سال برده است و هفت سال وزیر و هفت سال
نیز حلال و حرام یاد بگیرد.

علی علیه السلام فرمود:

خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ؛ ^(۵۷)
بهترین ارثی که پدران برای فرزندان به
جای می گذارند، ادب است.

ادب و تأدیبه، باید در راستای پرورش
درست و معقول باشد و به نفع دنیا و آخرت
کودک باشد، نه صرفاً برای تقویت روحیه ی
مادیگری و دنیاگرایی. اگر پدر و مادری
روش های خوب تربیتی را به نحو صحیح یاد
نگیرند، در راهنمایی و تربیت کودک دچار
مشکلات خواهند شد و همین طور اگر پدر و
مادر دو طرز تفکر و دو فرهنگ متفاوت
داشته باشند، نمی توانند کودک خود را
یکنواخت و در یک مسیر صحیح و مذهبی
تربیت کنند، باید ابتدا آنها در تربیت
کودک تفاهم و اتحاد و انفاق داشته باشند
تا کودک در انتخاب راه تربیتی سردرگم
نباشد. البته چنین اتفاق و اتحاد و
تفاهم امکان نخواهد داشت، جز اینکه
والدین به یک مصدر و منبع تربیتی که
عبارت است از مذهب الهی، متکی باشند.
مَشرَب و سرچشمه ی فرهنگی و تربیتی آنها
باید دین باشد، در این صورت است که آنها
می توانند در تربیت صحیح کودک موفق
باشند.

ناگفته نماند پدران و مادران مسلمان وظیفه دارند و مکلف هستند که کودکان را خوب تربیت کنند و این یک فریضه است. پیشتر یادآور شدیم که فرزندان در دستان پدر و مادر یک امانت الهی هستند. پس باید این امانت صحیح و سالم به صاحب اصلی اش برگردانده شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:
أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ؛ (۵۸)
فرزندان خود را عزیز بدارید، و آنها را خوب تربیت کنید.

فصل یازدهم

“TZR_sΨ qūΣδŪ : Ū zθŪhHZΨ

پدران و مادرانی که در قبال کودکان و فرزندانشان احساس مسئولیت می کنند، بدیهی است که بیشتر دل می سوزانند، و توقع دارند فرزندانشان طبق دلخواه آنها تربیت شوند. کوچکترین مسامحه را در این راه جایز و روا نمی دانند و تحمل کوچکترین لغزش را از فرزندانشان ندارند. امکان دارد کودکان و فرزندان باشند که بعضاً در قالب و چهارچوب فکری و تربیتی آنها نگنجند و یا دیر در راه تربیتی قرار گیرند و یا اصلاً تمرّد کنند و شیطنت نمایند. در این صورت احتمال دارد والدین دست به خشونت بزنند و مبادرت به مجازات آنها کنند و کودکان خود را به تکلف وادارند، اعمال سلیقه و سخت گیری کنند. همان گونه که در گذشته مطرح شد، تربیت فرزند، یک نوع ظرافتکاری و آشنایی به اصول و روش تربیتی لازم دارد. باید گام به گام پیش رفت. عصبانیت و خشونت که منجر به کتک کاری و تنبیه سنگین بدنی شود سودمند و مفید نیست. این گونه رفتار کردن، تنش آفرین است و باعث عصیانگری و ایجاد روحیه ی پرخاشگری در فرزند می شود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

قال بَعْضُهُمْ شَكُوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنًا لِي، فَقَالَ: لَا تُضْرِبُهُ، وَ أَهْجُرُهُ وَ لَا تُطِلْ؛ ^(۵۹) مردی در حضور حضرت از فرزند خود شکایت کرد، حضرت فرمود: فرزنت را نزن، برای ادب کردنش، از او

قهر کن، ولی مواظب باش، قهرت طول نکشد و هرچه زودتر آشتی کن.

علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَبِ وَ الْبَهَائِمُ لَا يَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ؛ ^(٦٠) پندپذیری انسان عاقل به وسیله ی ادب و تربیت است، چارپایان و حیوانات اند که تنها با ضرب و زدن، تربیت می شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

رُوي عَنْ أُمِّ الْفَضْلِ زَوْجَةِ الْعَبَّاسِ بِنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ مُرْضِعَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَتْ: أَخَذَ مِنِّي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حُسَيْنًا أَيَّامَ رِضَاعِهِ فَحَمَلَهُ، فَأَرَأَقَ مَاءً عَلَى ثَوْبِهِ، فَأَخَذْتُهُ بُعْثِي حَتَّى بَلِي، فَقَالَ صلی الله علیه و آله و سلم: مَهْلًا يَا أُمَّ الْفَضْلِ إِنَّ هَذِهِ الْإِرَاقَةَ، يَطْهَرُهَا فَأَيُّ شَيْءٍ يَزِيلُ هَذَا الْغُبَارَ عَنْ قَلْبِ الْحُسَيْنِ؛ ^(٦١) ام الفضل همسر عباس بن عبدالمطلب دایه ی امام حسین علیه السلام بود. می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسین علیه السلام را که کودک بود از من گرفت و بغل کرد. حسین علیه السلام لباس او را آلوده کرد، و آن گاه شروع به گریه کرد. من ناراحت شدم. حضرت فرمود: ام الفضل آرام، این رطوبت با اندکی آب پاک می شود، و اما اگر کدورتی از این ناراحتی به دل حسین بنشیند، آن وقت چه چیزی این غبار را از دل او می زداید.

فصل دوازدهم

z'ZəÄ ÜhÜ

دو معنی در اصطلاح برای ادب بیان داشته اند و در اذهان عامه نیز از این واژه دو برداشت به ذهن خطور می کند، یکی داشتن خوی خوش و پسندیده؛ دوم، مجازات و تنبیه.

منظور ما در اینجا معنی اول است، یعنی آموختن روش و اخلاق و خصلت های نیک و پسندیده به فرزندان و انتقال فرهنگ و آداب و رسوم ملل و مذهبی به آنها. در میان ملل یک سلسله آداب و رسوم و فرهنگ رفتاری که در خور سنت های خودشان است وجود دارد که به آنها به دیده ی احترام می نگرند و هر فردی که آن آداب و رسوم را نادیده بگیرد و از آنها تخطی کند، به او به دیده ی نفرت می نگرند و او را فاقد آداب و تربیت تلقی می کنند. در یک کلام هر کس از محدوده ی انسانی و قانونی خویش تجاوز کند و به حریم دیگران و اجتماع وقعی ننهد، او را سرزنش می کنند. در اسلام، مصادیق داشتن ادب و تربیت فراوان است. به عنوان مثال بی احترامی به پدر و مادر و بی احترامی به دیگران و نادیده گرفتن حقوق آنها بی ادبی است.

امروز که شبکه ی ارتباطات گسترش یافته و از طریق اینترنت راه ارتباط با ملت های دیگر به سهولت امکان پذیر شده است و بیشتر احساس درآمیختن با آنها مشاهده می شود و انسان ناگزیر است که با آنها برخورد کند و ارتباط داشته باشد، لازم است با فرهنگ آنها آشنا گردد و با دیده

ی احترام به آنها بنگرد و این را آیین اسلام به ما سفارش کرده است که با آنها با رفتار خوب و پسندیده برخورد کنیم. مسلمانان نیز باید در چهارچوب مذهب و محدوده ی شریعت خود قدم بردارند و رفتار و کردار خود را با آن وفق دهد و آنچه که در مذهب ادب پنداشته شده است فراگیرد و همان را به فرزندان خویش انتقال دهد و از وظایف بارز و مهم والدین توجه به این امر مهم و یاد دادن آن به فرزندان است. امام علی علیه السلام فرمود:

خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ الْإِبْنَاءَ الْآدَبُ؛ ^(۶۲)
 بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می گذرانند، ادب است.
 امام باقر علیه السلام فرمود:

نَظَرَ أَبِي إِلَى رَجُلٍ وَ مَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَ الْإِبْنُ مَتَكِّيٌّ عَلَى ذِرَاعِ الْآبِ، قَالَ: فَمَا كَلَّمَهُ أَبِي مَقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا؛ ^(۶۳)
 مردی را دید که به همراه پسرش راه می رفتند و پسر به بازوی پدر تکیه داده بود، گوید: تا پدرم زنده بود با آن مرد سخن نگفتم.

امام علی علیه السلام فرمود:
 مَنْ قَلَّ أَدَبُهُ كَثُرَتْ مَسَاوِيَةٌ؛ ^(۶۴) هرکس ادبش اندک باشد، زشت کاری هایش بیشتر می شود.
 امام صادق علیه السلام فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ؛ ^(۶۵)
 خداوند رحمت کند کسی را که در کار نیک فرزندش اقدام کند.

مسائل و موارد ادب در منابع اسلامی و در کتب اخلاقی و تربیتی فراوان بیان شده است باید برای به دست آوردن آنها به مجالس وعظ و کتب مربوط مراجعه کرد. انسان مسلمان باید مؤدب باشد که غفلت موجب پشیمانی و ندامت می گردد.

فصل سیزدهم

ϮTŭΣZâŸ {ŭŧϣϢ ϧϣZzĂ

در میان مسلمانان و در جوامع گوناگون و مختلف، انسان ها و بزرگانی درخشیده اند و از تجربه های خویش و اندوخته های علمی و اخلاقی و تربیتی خود برای انسان ها سخن ها گفته اند. مانند زنبور عسل پرکشیده از روی گلستان ها و گلخن ها عبور کرده، طرُق هموار و ناهموار را پیموده اند و حاصل کنکاش و کوشش های علمی خود را در اختیار آیندگان قرار داده اند، از پیشوایان آسمانی گرفته تا علما و دانشمندان، همه و همه مطالب ارزنده ای از خود به یادگار گذاشته اند. بهره برداری و استفاده از آنها و انتقال آنها به فرزندان در سالم نگه داشتن و تربیت خوب آنها مفید و ارزشمند است. چه بسیار سخنان که در لابه لای کتب ثبت و ضبط شده است از قرآن گرفته و سایر کتاب های آسمانی تا کتاب های اندیشمندان، پر است از سخنان حکیمانه که هیچ انسانی نمی تواند بی نیاز از آنها باشد.

امام علی علیه السلام در جمعی حضور داشتند و فرزندانش حسن و حسین نیز در آن جمع بودند و حضرت با آنها بحث علمی می فرمود و همچنین سؤالاتی از آن دو می پرسید و هر یک از آنان با عباراتی کوتاه جواب های حکیمانه می دادند. سپس حضرت متوجه یکی از اصحاب خود شد و فرمود:

عَلِّمُوا هَذِهِ الْحِكْمَ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّهَا زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ وَالْحَزْمِ وَالرَّأْيِ؛ ^(٦٦) این سخنان حکیمانه را به فرزندان خودتان بیاموزید،

زیرا موجب تقویت عقل و مآل اندیشی و رأی
صائب آنان می گردد.

از زبان مبارک امام علی علیه السلام پیرامون
حکمت مطالب فراوان نقل شده است که به
چند نمونه اشاره می شود:

عَلَيْكَ بِالْحِكْمَةِ فَإِنَّهَا الْخُلْيَةُ الْفَاخِرَةُ؛
(۶۷) بر تو باد به فراگیری حکمت، زیرا که
آن لباس گرانقیمتی است.

كُلُّ شَيْءٍ يَمُلُّ مَا خَلَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛ (۶۸) همه
چیز ملال آور است، جز ظرایف حکمت ها.
الْحِكْمَةُ شَجَرَةٌ تُنْبِتُ فِي الْقَلْبِ وَ تَتَمَرُّ عَلَى
اللسان؛ (۶۹) حکمت درختی است که در دل می
روید و در زبان بار می دهد.

قوام و پایداری حیات بشری به پند و اندرز وابسته است، هیچ انسانی از پند و اندرز بی نیاز نیست. یکی از وظایف انسان ها و حق آنها به یکدیگر نصیحت و یادآوری و تذکر است، تذکر خوبی ها و بدی ها، پرهیز دادن دیگران از گرفتار شدن به بدبختی ها و به چیزهایی که امکان دارد ناآگاهی و فراموشی به آنها موجب بدبختی جبران ناپذیر برای انسان باشد.

پند، بهترین راهی است که برای تربیت صحیح فرزند مفید است و آن هم برای خود راه و روشی دارد. بیان خوبی ها و نشان دادن نتایج وخیم زشتی ها و انحراف ها به صورت نقل داستان و قصه، بیان سرگذشت گذشتگان، از خوبی و بدی و ...

یکی از روش های خداوند برای تربیت انسان ها، بلکه همه ی روش هایی که در قرآن قید شده جنبه ی اندرز و پند و نصیحت دارد. در یکی از خطابات خود به پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۷۰)
یادآوری کن که یادآوری به مؤمنان سود بخشد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ (۷۱) ای مردم! از جانب خداوند موعظه و اندرزی و شفای دردهای درونی شما و نیز برای مؤمنان هدایتگر و رحمتی آمد. پند و اندرز اگر معقول باشد و منطقی و دور از تحکم و فرمانروایی، موجب حیات و ماندگاری دل هاست و صیقل بخش روح و جلادهنده قلب هاست.

البته انسان ناصح و والدینی که این روش را اتخاذ می کنند، باید به زمان و

وقت و اقتضای موقع نصیحت توجه کنند. لجاجت و درشتی و عصبانیت و عتاب و خطاب تند و خشن بدترین نحوه ی اندر زدهی است و همین طور وضعیت و موقعیت کودک و فرزند نیز باید ملاحظه شود. بهترین روش آن است که انسان بدون زمینه ی قبلی و بدون غرض آن را انجام دهد. اگر انسان خلافی از کودک خویش ببیند، باید قُبْح آن را متذکر شود. ناگفته نماند نباید پند و اندرز با ملامت و سرزنش یکسان شود که دو مقوله جدا از هم هستند. تذکر برای فرزند متخلف با اندرز عادی که جهت پیش گیری انجام می گیرد فرق دارد. اندرز می تواند در جمع کودکان و خانواده باشد و در هر موقع مناسبی که امکان داشته باشد انجام گیرد و بهتر است در موارد خاص که فرزند احتیاج به تذکر دارد در خفا انجام گیرد و به دور از جمع و به دور از حضور فرد یا افرادی که فرزند دوست ندارد آنها متوجه شوند.

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

از نصیحت فرزند در حضور دیگران خودداری کنید، که نه تنها نتیجه بخش نیست، بلکه موجب لجاجت فرزند می شود. (۷۲)

امام علی علیه السلام فرمود:

نُصْحُكَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ؛ (۷۳) نصیحت تو در حضور دیگران، سرزنش است.

“a!a :Ū ~2Vθ.

در بحث گذشته نقش اندرز و پند را بیان کردیم، یکی از اثرات مهم آن را که در این قسمت مورد توجه قرار می دهیم این است که پند و اندرز جلوی کارهایی را که انسان به خاطر آنها سرزنش می شود می گیرد. خداوند متعال در قرآن، یکی از وظایف رسول خدا را بشارت و انذار معرفی کرده است، «بشارت» برای عاقبت نیک و زیبا و کارهای خوب و «انذار» برای نتایج زشت افعال قبیح، سپس خداوند در جای دیگر به پیامبر می فرماید:

پیامبر! وظیفه ی تو تنها ابلاغ است.
بشارت و انذار کار توست. (۷۴)

وقتی که امت متوجه نتایج و عاقبت کارهایشان شدند دیگر تکلیفی ندارند، جز اینکه پیوسته تذکر بدهی. وقتی که انسان ها به وظایف خود آشنا باشند و بشارت و انذار داده شوند، کم تر دچار خطا می شوند، و در صورت ارتکاب به خطا دیگر نیازی به سرزنش و ملامت ندارند، زیرا اگر جرم بزرگی مرتکب شود کارش با دادگاه و حاکم است، بنابراین نیازی به سرزنش ندارد. در مباحث فقهی هم فرموده اند با مجرم غیر از مجازات قانونی نباید برخورد شود. در فرزند نیز همین طور است، اگر راه ها خوب نشان داده شوند تذکر و موعظه و پند در وقت خود و پیش از بروز واقعه ای بزرگ انجام گیرد. در صورت ارتکاب به خلاف جزیی نباید سرزنش شود. از سرزنش و ملامت با درستی و تحکم و عصبانیت و به رخ کشیدن خدمات پیشین و یا به رخ آوردن دیگران، نهی شده است.
امام علی علیه السلام فرمود:

أَلْفِرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ؛ (٧٥)
افراط در سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور
می کند.

پس پدر و مادر در آغاز باید خلاف
فرزندان را نادیده بگیرند، ولی بیشتر
مراقبت کنند قُبْح کارهای خلاف را و عاقبت
زیانبار آنها را به فرزندان متذکر شوند
و در مقابل خلافتی از سرزنش و ملامت
زیاد پرهیز کنند. موجب جرأت پیدا کردن
آنها به والدین نشوند که پیامبر اکرم
می فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ وَ هُوَ يَغْفُو
عَنْ سَيِّئَتِهِ؛ (٧٦) خدا بیامرزد آن کس را که
یاری فرزندش کند و از خطایش بگذرد.

فصل چهاردهم

□ □ □ z:ZeÄ

سعادت و نیکبختی انسان در آینده و در هر موقعیتی که باشد، بستگی به دانش و علم و سواد او دارد. عنایت و توجه اسلام در عصر خود به علم و علم آموزی از اهمیت و عظمت این دین آسمانی خبر می دهد. در هیچ کتابی به اندازه ی کتاب آسمانی اسلام و کتب روایتی و حدیثی به علم بها و ارزش نداده اند. کدام سخنی بالاتر از سخن خداوند که می فرماید: انسان را آفرید و آن گاه به او بیان و علم آموخت و به وسیله ی قلم به او دانش بخشید. یا در جایی فرمود: آیا دانش ورزان و عالمان با جاهلان یکسان اند؟! امروز با پیشرفت دنیا و به وجود آمدن تمدن نوین جای هیچ درنگ و شبهه ای باقی نمی ماند و ضرورت علم آموزی را به وضوح نشان می دهد.

لذا بهترین زمان فراگیری علم و دانش اندوزی از زمان هفت سالگی کودک در اسلام معرفی شده است. پدران باید این فرصت را غنیمت بدانند و این مجال را از فرزندان دریغ نکنند و آنها را به سوی مدرسه، راهنمایی و تشویق کنند و نگذارند آینده ی آنها به خاطر بیسوادی تباه شود و آنها را از این نعمت بزرگ محروم نسازند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛ ^(۷۷) فرزند در هفت سالگی خواندن و نوشتن فرا گیرد، و هفت سال نیز به فراگیری حلال و حرام بپردازد.

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي
 الْكِبَرِ؛ ^(۷۸) کسی که در کودکی درس نخواند،
 در بزرگی رهبر و پیشوای مردم نمی شود.
 بیشتر در اسلام تأکید شده است به
 فراگیری علمی که موجب نجات خود انسان
 در دنیا و آخرت باشد، و عمر خود را در
 تحصیل علمی که نفع ندارد ضایع نکند.
 امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی «فليُنظَرِ الإنسانُ إلى
 طعامه» تعبیر فرموده اند از طعام به علم.
 آری، علم مبرم ترین غذای انسان است.
 پیشرفت علوم دنیوی امروز این امکان را
 به انسان می دهد که در تحصیل علوم جدید
 عقب نماند، چون اقدام به آموختن علوم
 بیشتر وقت انسان را می گیرد و مانع از
 آن می شود که انسان به چند علم در کنار
 هم پردازد، لذا تا امکان دارد انسان
 نباید در کسب معارف دینی کوتاهی کند. پس
 از فراگیری علوم دنیوی باید به علوم
 الهی نیز توجه کند و بُعد معنوی خویش را
 نیز تقویت کند.

در این قسمت سخن فراوان است، نمی شود در چندین سطر، بحث با آن عظمت را آورد. خداپرستی یک جمله بیش نیست. یعنی بنده ی خدا بودن، و نفی کردن همه ی خدایان و قرار گرفتن در اشراف نور حق که هیچ کس جذابتر و دوست داشتنی تر از او نیست و هیچ محبوبی چون او تا ابد ماندگار و باوفا نیست و هیچ موجودی چون او برازنده ی پرستش نیست، جمله هستی طفیلی اوست. وظیفه و تکلیف اصلی و فطری انسان، شناختن دقیق او و شناساندن اوست.

آنچه پدران و مادران باید بیشتر وقت خود را برای فرزندان مصروف دارند، کاشتن بذر خداپرستی در نهاد و نهان کودک است. موجودی به نام فطرت در درون پاک کودک خدا را فریاد می کند. هیئات که این فریاد خاموش شود، از همان آغاز تولد کودک، فهم و شعور و عقلش پا می گیرد و شکوفا می شود. عسل شیرین خداپرستی باید به کام او ریخته شود.

شناساندن خداوند و پرستش خداوند دو مقوله هستند. که این قسمت بعدی بیشتر توجه و عنایت می طلبد، باید کودک را پیوسته در مسیر خداپرستی حفظ کرد و او را در این مسیر یاری کرد.

اسلام عنایت دارد که کودک از هفت سالگی به تدریج به سوی عبادت کردن کشانده شود یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید از حضرت پرسیدم که کودک از چه سنی شروع به نماز خواندن کند و یا نماز به او یاد داده شود؟ فرمود: از هفت سالگی.

یکی از دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام این است که می فرماید:

خدایا! فرزندان مرا از نمازگزاران
قرار بده.

در حدیثی از رسول خدا ﷺ چنین می
فرماید:

وَيْلٌ لِأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟! فَقَالَ:
لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً
مِنَ الْفَرَائِضِ، وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ
وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا
مِنْهُمْ بَرٌّ وَ هُمْ مِنِّي بَرٌّ؛ (۷۹) وای بر پدران
فرزندان آخرالزمان گفتند: ای پیامبر! از
پدران مشرکشان؟ فرمود: نه! از پدران
مؤمن که چیزی از واجبات دینی به آنها
یاد نمی دهند و اگر اولادشان بخواهند
چیزی یاد بگیرند، مانع آنها می شوند و
به اندک چیزی از دنیا از آنها راضی می
شوند و ما از آنها بیزاریم و آنها از
من.

و در جای دیگر می فرماید:

إِفْتَحُوا عَلَي صِبْيَانِكُمْ أَوَّلَ كَلِمَةٍ لِإِلَهٍ إِلَّا
اللَّهُ؛ (۸۰) زمانی که کودکانتان زبان می
گشایند لاله الاله را به آنها یاد بدهید.

مسلمان ها در این قسمت نباید کوتاهی
کنند. باید خود و فرزندان شان با معارف
بلند الهی و قرآنی آشنا شوند و از
خواندن کتاب های مذهبی و از رفتن به
مجالس موعظه و محافل دینی و مراسم های
مذهبی کوتاهی و دریغ نکنند. تلاش کنند
محبت خداوند و اولیای او در دوران کودکی
در دل آنها ریشه کند که سعادت دنیا و
آخرت آنها در این است.

این بُعد از تربیت خیلی ظرافتکاری و
هنرمندی طلب می کند. باید خیلی با حوصله
و بدون تکلف و تحکم و با بردباری با
فرزند رفتار شود که خدای ناکرده از دین
و مذهب دلسرد نشود و باید بسیار منطقی و

معقول انجام گیرد، به دور از تهدید و فشار.

همان گونه که در خلال بحث های مختلف که طی چهارده بخش بیان گردید، تمام اقوام و ملل در طول تاریخ به یک نتیجه کلی دست یافته اند که برای تربیت نسل آینده، باید دقت و مراقبت و کوشش لازم را انجام دهند وگرنه به نتایج مثبت و دلخواه نخواهند رسید. با توجه به اینکه اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و پیرو کامل ترین دین الهی می باشند، این آیین از طریق آموزه های دینی که از زبان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم السلام بیان گردیده، خطوط کلی در رابطه با مسائل تربیتی که سرنوشت ساز هست را بیان نموده است.

امید است پدران و مادران گرامی، با به کار بستن این آموزه ها، در راه تربیت صحیح فرزندان شان که آینده سازان کشور هستند، موفق و مؤید باشند.
ان شاء الله

کتابنامه

- * قرآن مجید.
 - * نهج البلاغه.
 - ۱. اصول اساسی فن تربیت، ایرانشهری.
 - ۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی.
 - ۳. آداب الزواج فی الاسلام، هشام بن قبلان.
 - ۴. جعفریات.
 - ۵. وسائل الشیعة، شیخ محمدحسن حرّ العاملي.
 - ۶. الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی.
 - ۷. تحف العقول، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین ابن شعبه حرانی.
 - ۸. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی.
 - ۹. محجة البيضاء، ملامحسن فیض کاشانی.
 - ۱۰. مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری.
 - ۱۱. مجموعه ورام، امیر زاهد ابوالحسن ورام.
 - ۱۲. کنز العمال، لعلاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندي.
 - ۱۳. رسالت الحقوق، قپانچی.
 - ۱۴. انوار البهیة.
 - ۱۵. اولین دانشگاه، آخرین پیامبر، سید رضا پاک نژاد.
 - ۱۶. مکارم الاخلاق.
 - ۱۷. تاریخ یعقوبی.
 - ۱۸. هداية الاحباب.
 - ۱۹. مجله راه زندگی، سال اول، شماره ی یازدهم.
- پی نوشت ها

- (۱) - سورة اسراء، آية ۷۰.
- (۲) - سورة الذاریات، آية ۵۶.
- (۳) - در مطالب آینده به این قسمت بیشتر خواهیم پرداخت.
- (۴) - آداب الزواج فی الاسلام، ص ۹۹.
- (۵) - بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۵.
- (۶) - جعفریات، ص ۹۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۸۴.
- (۷) - نقل به مضمون. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۸۳، چاپ جدید؛ قدیم، ج ۱۴، ص ۵۷.
- (۸) - بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶.
- (۹) - غررالحکم، ص ۳۲۷.
- (۱۰) - وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۸، چاپ جدید.
- (۱۱) - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۷۹.
- (۱۲) - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۷۹.
- (۱۳) - غررالحکم، ص ۳۷۹.

- (١٤) - سورة ابراهيم، آية ٢٢.
- (١٥) - انوار البهية، ص ١٧.
- (١٦) - بحار الانوار، ج ٣، ص ٤٤.
- (١٧) - سورة بقره، آية ٢٣٣.
- (١٨) - اولين دانشگاه آخرين پيامبر، جلد هاي ازدواج، مكتب انسان سازي.
- (١٩) - رساله الحقوق ١، ص ٥٨٢، قپانچي.
- (٢٠) - نهج البلاغه، نامه امام علي عليه السلام به امام حسن مجتبي عليه السلام.
- (٢١) - بحار الانوار، ج ١٠٤، ص ٩٥؛ وسائل الشيعه، ج ٢١، ص ٤٧٦.
- (٢٢) - مكارم الاخلاق، ص ١١٣؛ وسائل الشيعه، ج ٢١، ص ٤٨٣.
- (٢٣) - تحف العقول، ص ٢٦٣.
- (٢٤) - بحار الانوار، ج ١٣، ص ٤١٩.
- (٢٥) - تحف العقول، ص ٢٦٣.
- (٢٦) - قال الصادق عليه السلام: «لا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتاً فِيهِ إِسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدٍ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ» وسائل الشيعه، ج ٢١، ص ٣٩٦.
- (٢٧) - وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٣٩٤.
- (٢٨) - وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٣٨٩، چاپ جديد.
- (٢٩) - وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٣٩٣، چاپ جديد.
- (٣٠) - وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٣٩٠، چاپ جديد.
- (٣١) - وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٤٨٦.
- (٣٢) - وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٤٧٣.
- (٣٣) - وسائل شيعه، ج ٤، ص ٧٤.
- (٣٤) - بحار الانوار، ج ١٠٤، ص ٩٥؛ وسائل شيعه، ج ٢١، ص ٤٨٣.
- (٣٥) - مكارم الاخلاق، ص ١١٣؛ وسائل الشيعه، ج ٢١، ص ٤٨٣.
- (٣٦) - تاريخ يعقوبي، ج ٣، ص ٥٣.
- (٣٧) - تاريخ يعقوبي، ج ٣، ص ٥٣.
- (٣٨) - نهج البلاغه، نامه ي امام علي عليه السلام به امام حسن مجتبي عليه السلام.
- (٣٩) - اصول اساسي فن تربيت، ايران شهري.
- (٤٠) - اصول اساسي فن تربيت، ايران شهري.
- (٤١) - اصول اساسي فن تربيت، ايران شهري.
- (٤٢) - مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٦٩.
- (٤٣) - محجة البيضاء، ج ٣، ص ٣٦٦.
- (٤٤) - محجة البيضاء، ج ٣، ص ٣٦٦.
- (٤٥) - مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٦٩.
- (٤٦) - مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٦٧.
- (٤٧) - سورة نور، آية ٥٨.

- (٤٨) - الكافي، ج ٢، ص ١٠٦؛ وسائل شيعة، ج ٢٠، ص ١٣٤.
- (٤٩) - وسائل شيعة، ج ٢٠، ص ١٣٣.
- (٥٠) - ميزان الحكمه، ج ١، ص ٧١٦ (به نقل از بحار الانوار).
- (٥١) - الكافي، ج ٦، ص ٤٧.
- (٥٢) - مستدرک الوسائل، ج ١.
- (٥٣) - الكافي، ج ٦، ص ٤٨.
- (٥٤) - بحار الانوار، ج ٣٣، ص ١١٤.
- (٥٥) - بحار الانوار، ج ٣٣، ص ١١٤.
- (٥٦) - بحار الانوار، ج ٢٢، ص ١١٤.
- (٥٧) - غرر الحكم، ص ٣٩٣.
- (٥٨) - وسائل الشيعة، ج ٢١، ص ٤٧٦.
- (٥٩) - بحار الانوار، ج ١٠٤، ص ٩٩.
- (٦٠) - بحار الانوار، ص ٧٧، ص ٢١٣.
- (٦١) - هدية الاحباب، ص ١٧٦.
- (٦٢) - غرر الحكم، ص ٣٩٣.
- (٦٣) - مجموعه ي ورام، ج ٢، ص ٢٠٨.
- (٦٤) - غرر الحكم، ج ٧، ص ٨٩.
- (٦٥) - مجموعه ي ورام، ج ٢، ص ٣٦٩.
- (٦٦) - بحار الانوار، ج ٧٢، ص ١٩٤.
- (٦٧) - غرر الحكم، ص ٢٢٧.
- (٦٨) - غرر الحكم، چاپ دانشگاه، ج ٧، ص ٧٩.
- (٦٩) - غرر الحكم، چاپ دانشگاه، ج ٧، ص ٧٨.
- (٧٠) - سورة الذاريات، آية ٥٥.
- (٧١) - سورة يونس، آية ٥٧.
- (٧٢) - تحف العقول، ص ٨٤.
- (٧٣) - غرر الحكم، چاپ دانشگاه، ج ٦، ص ١٧٢.
- (٧٤) - «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...» بقره، آيه ١١٩.
- (٧٥) - غرر الحكم، ص ١٧٦٨.
- (٧٦) - بحار الانوار، ج ١٠٤، ص ٩٨.
- (٧٧) - الكافي، ج ٦، ص ٤٧.
- (٧٨) - نهج البلاغه، ٤٥٠.
- (٧٩) - مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ١٦٤.
- (٨٠) - كنز العمال، ج ١٦، ص ٤٤٠.

فهرست مطالب

2	مقدمه
5	فصل اول
5	پیش از تولد
7	دوران انعقاد نطفه
8	ریشه در ریشه
9	انتخاب زن
15	فصل دوم
15	دستورهای مقدماتی انعقاد نسل
16	تغذیه از طریق پاک و حلال
17	یک مدرک قابل توجه
19	فصل سوم
19	پس از تولد
23	فصل چهارم
23	نامگذاری
25	فصل پنجم
25	بازی با کودک
26	محبت و ابزار دوستی
28	فصل ششم
28	تربیت خوب
31	فصل هفتم
31	حُسن معاشرت
34	فصل هشتم
34	تأثیر رفتار والدین
37	فصل نهم
37	آموزش حیا و عفت
40	فصل دهم
40	تأدیب و تشویق
44	فصل یازدهم
44	خودداری از اعمال خشونت
46	فصل دوازدهم
46	ادب آموزی
48	فصل سیزدهم
48	آموختن سخنان حکیمانه
50	پند و اندرز
52	پرهیز از ملامت
54	فصل چهاردهم

54	علم آموزی
56	درس خداپرستی
59	نتیجه گیری
63	فهرست مطالب